

تفکیک‌ناپذیری مسیحیت و اسلام

عادل تئودور خوری

اشاره

پاپ بندیکت شانزدهم در سخنرانی معروف و بحث‌انگیز خود در دانشگاه رکنزبورگ آلمان به گفت‌وگوی امپراطور روم، ایمانوئل با دانشمند ایرانی استناد کرده که این گفت‌وگو را عادل تئودور خوری تصحیح و چاپ کرده است. تعلیقه‌ی وی بر این اثر نیز مورد استناد پاپ قرار گرفته است.

تئودور خوری دانشمند مسیحی (ملکائی) اهل لبنان کوشش‌های زیادی را در راه معرفی اسلام، و فهم بهتر مسلمانان و مسیحیان از یکدیگر صورت داده است. وی پس از سخنرانی پاپ نیز بارها کوشید تا هم سخنان پاپ را توجیه و گاه تلطیف کند و هم بر باور خود به جایگاه والای اسلام و مسلمانان و ضرورت گفت‌وگو و تفاهم میان پیروان این دو دین ابراهیمی تأکید کند. آنچه در پی می‌آید مقاله‌ای است از ایشان که در مجله‌ی آلمانی زبان ایران زمین چاپ شده و با نظر لطف سردبیر محترم و فرهیخته‌ی آن جناب آقای دکتر علی رهبر، ترجمه‌ی آن جهت چاپ در اختیار فصلنامه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که طرح دیدگاه‌های همکرایانه‌ی ایشان بتواند به بازگشت فضای گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت مدد رساند.

گفتنی است که «کانون معنویت ایران» که در کشور آلمان فعالیت‌های گسترده‌ای دارد و عهده‌دار انتشار ایران زمین برای آلمانی زبان‌هاست، در کنفرانس بین‌المللی دو روزهای در ایران در تابستان ۱۳۸۶ از کارنامه‌ی علمی ایشان تجلیل به عمل آورد.

جهان ما، چه امروز و چه در آینده، نیاز به اراده‌ها، ایده‌ها، تهورات و ابتکارات نوینی دارد، زیرا متأسفانه روز به روز بر اثر جدال‌های هر چه شدیدتر ناشی از مواجهات تنش‌زا، رفته‌رفته از شکیبایی کاسته می‌شود. همه این بحران‌ها، بشر را به گونه‌ای «باور عقیم» رهبری کرده است. صلح شکننده شده، دادگری از میان رفته و امکانات تفاهم به طور چشم‌گیری کاهش یافته است. از این‌رو به نظر می‌رسد که آینده‌ای تاریک‌تر و ناآرام‌تر در پیش خواهیم داشت. در حالی که برای صلح راه دیگری وجود دارد و هنوز علی‌رغم تمام موانع و تردیدهای اظهارشده، می‌توان برای یافتن راه‌کارهای گفت‌وگو و همکاری جسارت ورزید، زیرا این راه‌حل جایگزین دیگری ندارد و بر پایه همین، بسیاری از افراد و مجامع قویاً بر آن شده‌اند که برای ساختن آینده‌ای بهتر بر پایه عدالت و صلح از راه گفت‌وگو اقدام کنند. آنها با تمام قدرت خود می‌کوشند با به‌کارگرفتن گفت‌وگو و ایجاد زمینه‌های ممکن برای همکاری، انسان‌ها را در این مسیر هدایت کنند. منظور از گفت‌وگو امکاناتی است که در راه شناسایی حقیقت و همچنین تشدید همبستگی تمام انسان‌ها بر آنها تأکید می‌گردد. گفت‌وگو باید به عنوان راهی برای آشتی مؤثر حتی میان دشمنان پیشین، یعنی برای ایجاد نوعی فرهنگ صلح، و گونه‌ای مدنیت، رحمانیت و محبت فهمیده شود. دیگر این‌که باید کوشش شود که همکاری خالصانه جدی و پا برجایی به وجود آید که هم به زمان کنونی آرامش بخشد و هم آینده شکوفایی را بسازد که در آن روح اخوت جاری و ساری گردد. به این ترتیب، دنیای ما دنیایی خواهد شد که همگی در آن برای حل مسائل مشترکمان بکوشیم و اقدام نماییم.

موانع اصلی گفت‌وگو و همکاری عبارت است از:

۱. عدم تسامح و عجب تکبرآمیز؛ آن‌که بر این باور است که تنها او کلید حل مشکلات را در دست دارد، در واقع بر ابعاد مشکلات و پیچیدگی عناصر تشکیل‌دهنده آنها اشراف ندارد؛ زیرانمی‌داند که مسائل بشری را نمی‌توان بدون مشارکت همگانی حل کرد.
۲. داوری‌های بسیار عجولانه و پیش‌داوری‌های خشن؛ اینها ناشی از میراث شوم گذشته و رفتار خشک مغزانه کنونی است. ثمره دادگری این است که پیش‌داوری‌های فراگیر از میان برود و فضایی به وجود آید که در بردارنده آمادگی و شایستگی گفت‌گویی صریح و شفاف باشد.

۳. نبود رواداری در اندیشه؛ نخستین پیش فرض یک گفت‌وگو آن است که شایستگی و آمادگی جدیتی مداوم برای دستیابی به دانش دقیق و نکته‌سنجانه به منظور یافتن اندیشه‌های انسانی و همچنین درستی امر مورد بررسی داشته باشیم تا بدین وسیله هم بتوانیم دقیقاً داوری کنیم و هم موانع موجود را از میان برداریم. برای این منظور باید پذیرای انتقاد از خود باشیم تا فهمی روشن‌تر، دلی بازتر و شکیبایی مداوم‌تری به دست آوریم.

۴. عدم آمادگی لازم در تحمل اختلافات؛ به منظور دریافت صحیح و بیرون کشیدن اختلافات لاینحل و مرتفع ساختن صبورانه آنها، باید آمادگی لازم را داشته باشیم. از آنجا که حقایق فقط مجموعه‌ای از حقیقت‌های مسلم نیست و نمی‌توان آنها را به خوبی تعریف نمود یا به اثبات رساند، باید حقیقت دینی در مرحله نخست، حقیقتی باشد که به گفته انجیل یوحنا (بخش ۳ آیه ۲۱) بتواند برای ارزیابی ارزش‌های اخلاقی و حقایق دینی هر یک از ادیان مورد بحث مبنا قرار گیرد، تا زمینه‌ساز روابط دوستانه با ادیان دیگر و همکاری‌های بارور میان آنها گردد.

یافتن جهت‌یابی جدیدی در میان ارزش‌های اخلاقی مشترک در مسیحیت و اسلام و همچنین ادیان دیگر امری ضروری است. برای این منظور باید خواهان یک نظام اجتماعی انسانی شویم که در آن، حیثیت خدشه‌ناپذیر انسانی مبنا باشد و در صورت عمل به آن، نتایج زیر به حد کمال حاصل شود:

۱. دادگری برادرانه؛
۲. به کارگرفتن مدارا در ادای حقوق و وظایف؛
۳. اهتمام به حقوق ضعفا؛
۴. اقدام برای فقرا و مستضعفان؛
۵. صیانت از صلح به جای تلاش برای برقراری حکومتی جبار؛
۶. آمادگی برای آشتی و وفاق؛

علاوه بر اینها در مسیحیت، اسلام و ادیان دیگر، اصول دیگری نیز معتبر است:

۱. تساوی بنیادی همه انسان‌ها به مثابه مخلوق خدا؛
۲. همه آفریده‌های خدا و همه انسان‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و همگی در دنیای وابسته به مناسبات همه‌جانبه قرار داشته و به همکاری نیازمندند؛

۳. انسان‌ها خانواده بزرگی را شکل داده‌اند که در یک همدردی همه‌جانبه و اخوت جهانشمول متحدند؛

۴. همدردی و اخوت دلخواه نیست، بلکه امری بایسته است؛ زیرا دربرگیرنده مسئولیت همگی نسبت به همدیگر است و به همین دلیل، به عنوان قانون اساسی نظم سیاسی و اجتماعی، شالوده جهانی پر از عدالت فراگیر برادرانه را می‌ریزد. در پایان اجازه می‌خواهم، آرزوی شخصی خود را بیان کنم:

در یکی از سرودهای کهن مسیحی، بر باورداشت مسیحیان این گواهی آورده شده است که آنها عیسی مسیح را به عنوان محور امت می‌بینند؛ زیرا وی به امر خداوند در پی آن است که همه چیز را به سمت آشتی سوق دهد (نامه به کلوسر «klosser» بخش ۱، آیه ۱۵-۲۰) ولی آنچه به نظر من مهم می‌رسد، تقاضایی است که در آیه ۲۰ بخش اول مطرح شده: «مسیح باید وسیله آشتی همه انسان‌ها شود»؛ یعنی ما مسیحیان باید به نشانی غیرمسیحیان و خاصه به نشانی مسلمانان تقاضای زیر را بفرستیم:

از آن جهت که به عیسی مسیح اعتقاد داریم، از شما تقاضای آشتی می‌کنیم، خواه شما باورداشت‌های ما را بپذیرید یا نه. صرف نظر از تجربیات تلخ دو طرف که آنها را تاریخ مشترک ما به ارمغان آورده است، ما آمادگی خود را برای آشتی با یکدیگر، صلح و برادری همدردانه اعلام می‌کنیم.

قرآن به طور واضح طرفدار چنین جهت‌گیری‌ای است، زیرا در آیه ۸۶ سوره نساء آمده است: «چون به شما درودی فرستاده شد، شما هم با سلامی بهتر و زیباتر آن را پاسخ دهید». اگر ما مسیحیان تقاضای آشتی را به مسلمانان عرضه کنیم و همچنین آمادگی خود را برای همدردی فراگیر اعلام نماییم، مسلماً مسلمانان نیز باید بر طبق منویات قرآن این تقاضا را قبول کنند و جواب بدهند.

آرزوی من این است که مسیحیان بر پایه کتاب مقدس و مسلمانان طبق فرمان قرآن عمل کنند.

در این هنگام است که ما چه مسیحی، چه مسلمان به این نتیجه رسیده‌ایم که به یکدیگر وابسته‌ایم، همچنان‌که قرآن در آیه ۸۲ سوره مائده آورده است: «و تو یقیناً خواهی یافت که در میان آنان کسانی که از همه در مهر و محبت به تو نزدیک‌ترند، آنانی هستند که می‌گویند مسیحی‌اند».